

# چشم انداز خوانندگان

## چشم انداز خوانندگان

نقدی برگفت وگو با مهندس میثمی «برانداز کیست؟  
برانداز چیست؟»

آقای عباس بصیر از محققان مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم (بررسی و پاسخ به سوالات و شبهات مطبوعاتی) در چندمورد نقدی بر سرمقاله «برانداز کیست؟ براندازی چیست؟» شماره ۱۰ نوشته اند که عین آن از نظر خوانندگان گرامی می گذرد.

چشم انداز ایران

«ریشه های انقلاب در تفکر فقهی و حوزوی»

آنچه در پی می خوانید توضیحاتی است بر قسمت هایی از گفتگویی که توسط آقای مهندس میثمی در نشریه چشم انداز ایران، شماره ۱۰، شهریور - مهر ۱۳۸۰، تحت عنوان «برانداز کیست؟ براندازی چیست؟» انجام گرفته است.

هر کسی آشنایی اندکی با ابواب و مباحث مختلف فقه داشته باشد، می داند که فقه مجموعه دستورات و مقرراتی است که شیوه زندگی انسان را در حوزه خصوصی و عمومی، فردی و اجتماعی تبیین می کند. احکام عبادی فقه ماهیت فردی دارد و رابطه انسان را با خدا تنظیم می کند. ولی بسیاری از احکام فقهی دارای ماهیت اجتماعی است که در ابواب مختلف معاملات قضا، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، حدود، قصاص، دیات و... مطرح می شوند. در چارچوب همین احکام اجتماعی فقه، به مقرراتی برمی خوریم که ماهیت سیاسی دارند و روابط انسان را در حوزه عمومی اعم از ملی و بین المللی جهت می دهند. حال با توجه به این مقدمه می کوشیم برخی از ابهاماتی را که در گفتگوی فوق وجود دارد، توضیح دهیم.

آقای میثمی در بخشی از این گفتگو می گوید: «اساساً تفکری که منجر به شکل گیری نظام جمهوری اسلامی شد، و احکام اجتماعی قرآن و اسلام را مطرح کرد، پیش از پیروزی انقلاب در محافل سنتی و حوزوی یک اندیشه منزوی بود. بنابراین وقتی در نظام جمهوری اسلامی از هویت دینی بحث می شود، با آموزه های سنتی فقه فردی مرزبندی جدی دارد. چرا که اساساً تفکر فقه فردی نمی تواند تبیین کننده یک نظام اجتماعی و دینی باشد.» در اینجا توضیحات چندانی لازم است:

۱- در اینکه بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) به فقه سیاسی شیعه غنا بخشید و راه تکامل هر چه بیشتر آن را هموار ساخت تردیدی نیست، اما انزوای تفکر ایشان به عنوان زمینه ساز نظام جمهوری اسلامی، در محافل حوزوی جای بحث دارد، چون ریشه تفکر سیاسی امام

دواصل است؛ یکی اصل «عدم جدایی دین از سیاست» و دیگری اصل «ولایت فقیه» و این دو اصل در تاریخ تفکر شیعی و متون فقهی شیعه سابقه ای کهن و دیرینه دارد.<sup>۱</sup> گرچه در کیفیت تبیین حدود این مباحث، اختلاف نظرهایی بین فقیهان وجود داشته است. اساس این مباحث را در قدیمی ترین متون فقهی نیز می توان یافت، ولی از قرن دوازدهم به بعد توسط علمای بزرگی چون ملا احمد نراقی، میرفتاح حسینی مراغی، صاحب جواهری، شیخ انصاری، نائینی و... و بالاخره امام خمینی (ره) گسترش و تعمیق یافت تا اینکه سرانجام بستر تأسیس نظام باعظمت جمهوری اسلامی فراهم گردید.

بنابراین، جمهوری اسلامی محصول یک تفکر بی ریشه نیست، محصول جریانی است که از چند قرن قبل شکل گرفته و اکنون به نتیجه رسیده است. البته از اعتراف به سکوت، تقیه، سیاست و اجتماع گریزی برخی از عالمان و حتی مخالفت برخی از آنها با تفکر حضرت امام گریزی نیست، ولی این جریان را نمی توان به کل علما و محافل حوزوی نسبت داد.

۲- از آنچه گذشت به خوبی روشن می شود که نه فقه در احکام فردی محدود می شود و نه فقیهان با احکام اجتماعی و حتی سیاسی اسلام بیگانه بوده اند. قیام ها و نهضت های ضد استبدادی و ضد استعماری که در قرون اخیر به رهبری عالمان شیعه انجام شد و آمار آن از پانزده نهضت فراتر می رود<sup>۲</sup>، به روشنی نشان می دهد که فقه و فقیهان با حوادث و تحولات روزمره اجتماعی در تماس نزدیک بوده اند و همین باعث می شده است که علما در شرایط و هنگامه های خاصی دست به قیام و مبارزه علیه ظلم و ستم بزنند.

۳- اگر منظور از فقه فردی، همان فقه رساله ای باشد و اینکه فقه رساله ای نمی تواند تبیین کننده نظام اجتماعی باشد، در این صورت در توضیح بیانات ایشان بایسته است به سخنان حضرت امام (ره) اشاره کنیم که ضمن تأکید بر ضرورت اجتهاد به شیوه جواهری، می گفت: اجتهاد مصطلح در حوزه ها کافی نمی باشد<sup>۳</sup>، زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند.<sup>۴</sup> اگر فردی در علوم معهود حوزه ها اعلم هم باشد، ولی در زمینه های اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی تواند احکام جامعه را به دست بگیرد. طبق این بیان با اینکه فقه رساله ای از اداره یک نظام اجتماعی ناتوان است، ولی فقه از ظرفیتی برخوردار است که در صورت همگامی با دو عنصر زمان و مکان، می تواند یک نظام اجتماعی صحیح را تبیین کند.

۴- در جمهوری اسلامی، جمهوریت، مبین شکل نظام سیاسی است و اسلامیت بیانگر محتوای آن و این بدان معنی است که حکومت به اصول و مقررات اسلامی اداره می شود و بر محور اسلام حرکت و جهت می گیرد. هویت دینی و اسلامی حکومت از همین جا به وجود می آید و آن چیزی جز

اقاموا الصلوة...»<sup>۶</sup> یعنی خدا آن یاوران حق را یاری می کند که وقتی قدرت پیدا کردند از نماز و زکات برندارند و خلاصه در یاری کردن حق صادق باشند.<sup>۷</sup>

عباس بصیر

- ۱- ملاحظه کنید به مقنعه شیخ مفید و نه‌ایه الاحکام شیخ طوسی، باب امر به معروف و نهی از منکر
- ۲- حکیمی، محمدرضا، تفسیر آفتاب، ص ۹۷
- ۳- صحیفه نور، ج ۱، ص ۳۶۳
- ۴- همان، ج ۲، ص ۵۱
- ۵- همان، ج ۱، ص ۳۶۳
- ۶- سوره حجاب، آیه ۴۱، همچنین سوره صافات آیه ۱۷۳، سوره مجادله، آیه ۲.
- ۷- علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، (دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ص ۴۶۱)

### چشم انداز خوانندگان

«...از آنجا که توهین به رئیس قوه مجریه هم موجب توقیف نشریه می شود پس چرا بجز هفته نامه حریم دستور توقیف سایر نشریات صادر نمی شود...»

م. صبوری زاده

### چشم انداز خوانندگان

«... تقاضا و خواهشی از شما دارم و آن اینکه شما در مجله صفحه ای هم به صفحه شهیدان اختصاص دهید تا نسل امروز با فداکاری های این قهرمانان بیشتر آشنا شوند.»

بازندگی و خاطرات قهرمانان شهیدی همچون حنیف نژاد، سعیدمحسن، فاطمه امینی، رضایی، بدیع زادگان و هزاران هزار شهیدی که همچون ستاره در آسمان ایران درخشیدند...»

م. قاسملو

### چشم انداز خوانندگان

«... نسل جوان جامعه امروز ایران دچار مشکل «جوانی» است. ایشان چون نهالی هستند که قصد رویش دارند، اما ریشه شان به سنگ خورده و مواد حیاتی مورد نیازشان در اختیارشان نیست. این است که به زردی می گراید و احتیاج مبرم به باغبانی دارند که ایشان را از خشکیدن نجات بخشد. نیروهای بسیار مفیدی در درون دارند، بنابراین احتیاج به ثمربخش بودن

اداره حکومت براساس مقررات اسلامی برگرفته از فقه نیست. هویت اسلامی مانند هر هویت اجتماعی دیگر دارای چارچوب مشخصی است که آن را از هویت های دیگر متمایز می سازد. اگر این چارچوب محفوظ باشد، هویت دینی هم هست و اگر بشکنند، هویت دینی نیز شکسته است. این چارچوب با اصول مسلم و قدر متقین هایی یقین می شود که قوام شریعت به آنها است. هرگاه یکی از این اصول و قدر متقین ها نقض شود، هویت دینی نقض می گردد. مثلاً اگر روزی قصاص که یکی از قدر متقین های شریعت اسلامی است، مورد اعتراض قرار گیرد، در حقیقت این هویت دینی است که زیر سؤال می رود.

البته این حرف پذیرفتنی است که نقض و ابرام در مورد اعضای مشکوک و مورد اختلاف دین را نمی توان نقض هویت دینی به حساب آورد.

آقای میثمی در جای دیگری از سخنانش، کشاندن بحث ولایت فقیه را از بستر قانونی آن به بستر فقهی و اعتقادی، مورد انتقاد قرار داده، می گوید: «آن کس که ولایت فقیه را از بستر قانون اساسی خارج کند و آن را صرفاً به عنوان یک اصل اعتقادی مطرح نماید، براندازانه عمل کرده است، چرا که آن را از یک اصل قانونی به یک موضوع فقهی قابل مناقشه تبدیل نموده است.»

همان گونه که می دانید، بحث ولایت فقیه، ریشه کلامی و فقهی دارد و این ایجاب می کند که ما همیشه به اصل ولایت فقیه به عنوان یک موضوع فقهی و کلامی نگریسته، پایگاه آن را در فقه و کلام محکم نماییم. اگر ما ولایت فقیه را از بستر کلام و فقه جدا نموده، صرفاً به عنوان یک اصل حقوقی در نظر بگیریم، بنیان ولایت فقیه را بر آب قرار داده ایم و در واقع آن را بی ریشه ساخته ایم. ولایت فقیه از بستر فقه و کلام برخاسته و در همانجا باید پروریده شود.

در جای سومی ایشان با استناد به آیه ۲۴۹ سوره بقره می گوید: از دیدگاه من اراده تکامل بخش خداوند در آیه فوق آمده است: «کم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة» چه بسیار از گروه اندک که بر گروه کثیر پیروز گردید» بر این قرار گرفته است که همواره یک اقلیت تحت فشار را رشد می دهد و به حاکمیت می رساند. این بیان نیز احتیاج به تأمل دارد اولاً آیه از آن جهت که مورد نظر ایشان است، کلی نیست. آیه می خواهد بگوید: برخلاف پندار عده ای که همواره پیروزی را از آن اکثریت می دانند، در موارد زیادی اتفاق افتاده است که اقلیت به پیروزی رسیده است، اما اینکه همیشه پیروزی با اقلیت است، از هیچ جای آیه استفاده نمی شود.

ثانیاً آیه می خواهد بگوید: در مواردی که اقلیت ها به پیروزی رسیده اند، اذن و اراده خداوند در کار بوده است، اما اینکه هر جا نیرویی در اقلیت قرار بگیرد، خدا پیروزی آنها را ضمانت می کند، از مضمون آیه به دور است، بلی هر جا که اراده خداوند با گروهی همراه گردد، آن گروه پیروزی می شود، ولو آنکه چنین گروهی در اقلیت باشد. ولی اینکه اراده خداوند همواره با اقلیت ها همراه است و معیار هم اقلیت است، از آیه قابل استنباط نیست. از آیات متعدد قرآن چنین برمی آید که عامل پیروزی یک گروه صرفاً حقانیت و پایداری در راه حق است.

«ولینصر الله من ینصره، ان الله لبقوی عزیز، الذین ان مکناهم فی الارض

### چشم‌انداز خوانندگان

«مطالب نشریه شما بیشتر جنبه تاریخی دارد تا مسائل روز، جا دارد که در کنار اینگونه مطالب از مطالبهای روز نیز آورده شود. انتظار ما جوانان ایرانی این است که به مطالب و شعارهای وطن پرستانه بیشتر بپردازید. اگر امکان دارد در وسط نشریه عکسهای رنگی چاپ شود مانند عکسهایی از دکتر محمد مصدق، دکتر حسین فاطمی، مهندس مهدی بازرگان، تیمسار افشار طوس، دکتر یدالله سجایی، مهندس عزت‌الله سجایی و...»

حسین احمدی

### چشم‌انداز خوانندگان

«در یکی از مجله‌های شما... خواننده‌ای از شما سؤال می‌کند که مرحوم دکتر مصدق هر کس بود، با خوبیهایش تمام شد، ما مسائل بسیار داریم، نمی‌توانیم تمام مسائل را در محور آن مرد متمرکز کنیم (یک چنین چیزی) خواستم عرض کنم ما داریم، نیش قبر می‌کنیم، اجساد نهصدساله و هزار سال... را از قبر درمی‌آوریم و راجع به کارهایشان قلم‌فرسایی می‌کنیم. در صورتیکه دکتر محمد مصدق رادمرد بزرگ تاریخ ایران که امکان ندارد هزاران سال دیگر کسی بتواند در مقام و مقایسه آن جلوه‌گری کند بدست فراموشی بسپاریم؟ آیا این بی‌انصافی نیست؟ از این جهت استدعا دارم راجع به مصدق بنویسید کارهایش، مبارزاتش در برابر بزرگترین قدرت آن زمان ایستاد با دشمنان داخلی رنگارنگ جنگید، درود بی‌پایان به روان این بزرگ مرد تاریخ ایران... برای شما و همکاران بزرگوارتان آرزوی موفقیت دارم.»

محمدجواد توحیدی

### چشم‌انداز خوانندگان

«... سعی کنید در مجله ۳ الی ۴ صفحه به اشعار و مقالاتی که از طرف خوانندگان فرستاده می‌شود اختصاص دهید. به امید روزهای آزادی و عدالت و به امید ایرانی آباد و سر بلند و با آرزوی موفقیت برای وطن پرستانی پاک و پارسا و کوشا...»

پویا سجودی

دارند، اما زمینه لازم و مناسب برای صرف این نیرو در راه سالم و ثمربخش نیست...»

ج. توحیدی مراد

### چشم‌انداز خوانندگان

...گفتمان و دیالوگ تولید شده نسل گذشته در عرف و در ظاهر جامعه، مرگ است و سیاست کلمه‌ای است که برای امروز من، چیز دیگری جز مرگ برای بیان ندارد. خداوندا پناه می‌برم به تو از دست مرگ و مرگ پرستان!

نسل امروز افسرده است، از همه چیز دوری می‌کند، واقعیات جامعه‌اش و درونش و وجودش را بیان نمی‌کند تا در خود پیوسد. سالهاست که می‌گویند، می‌خوانیم و می‌دانیم، چرا با مرگ و مرگ آفرینان بحث منطقی نمی‌شود، بحث باز نمی‌شود، چرا اجازه نمی‌دهند شعار «مرگ بر» از این جامعه پاک شود. با مرگ چه چیز را می‌توان ثابت کرد، چه چیز را ثابت کردند؟...

اسماعیل آزادی

### چشم‌انداز خوانندگان

#### سنگ در مقابل سلاح اتمی:

در فلسطین نابرابرترین نبرد میان مبارزان فلسطینی و ارتش اسرائیل ادامه دارد... اسرائیل در مقابل چشم حیرت‌زده دنیا دست به کشتار فلسطینی‌ها از کودک و بزرگسال، نظامی و غیرنظامی زده و اگر این روند ادامه پیدا کند بعد از یوگسلاوی به دومین نسل‌کشی قرن بیست و یکم ختم خواهد شد در این جا دو مسئله مطرح است: اول اینکه آمریکا که امروز میلوسوویچ را به اتهام نسل‌کشی به دادگاه لاهه سپرده، در این مورد نه تنها سکوت نمی‌کند بلکه مانند همیشه آشکارا از اسرائیل حمایت می‌کند. این نشانه آن است که حقوق بشر از نظر آمریکا، تابعی از منافع اوست... در کنفرانس ضد نژادپرستی در آفریقای جنوبی آمریکا و اسرائیل تهدید کردند که اگر اسرائیل را متهم به نژادپرستی نمایند، آن کنفرانس را ترک خواهند کرد. لنین می‌گفت: بورژوازی اگر برایش صرف نکند دو دوتا، چهارتا را قبول نمی‌کند.

نکته دوم محافظه‌کاری حکومت‌های اسلامی است... بعد از فروپاشی بلوک شرق و جبهه امتناع (سوریه، الجزایر، عراق) که مخالف هر گونه سازش با اسرائیل بودند، مسئله فلسطین پیچیده‌تر و فلسطین تنهاتر و اسرائیل و آمریکا، جسورتر شدند...

منوچهر بصیر

## معرفی کتاب

محاظه کاران که به تازگی در انگلیس بر سر کار آمده بودند، این پیشنهاد را رد کردند.

با به درازا کشیدن بحران نفت و فشارهای دیپلماتیک انگلستان، آمریکایی‌ها که از ماهیت فراگیر ملی شدن نفت ایران نگران بودند، بیشتر تغییر جهت دادند و حتی پیش از روی کار آمدن آیزنهاور، نماینده جمهوری خواهان نقشه دخالت پنهانی در ایران به ویژه از سوی سازمان سیا مطرح شده بود، اما مقامات بلند پایه تر تا ۱۹۵۳ موافق این امر نبودند.

با تغییر حکومت در واشنگتن در دی ماه ۱۳۳۱ (ژانویه ۱۹۵۳) درست چهارده ماه پس از تغییر حکومت در لندن، همسویی سیاست های انگلستان و آمریکا در براندازی حکومت مصدق که با تشدید بحران های داخلی ایران همراه بود، الگوی تصمیم گیری مشخصی را شکل داد. سرانجام در ۱۲ بهمن ۱۳۳۱ (۳ فوریه ۱۹۵۳) دو هفته پس از آغاز ریاست جمهوری آیزنهاور طرح سرنگونی مصدق مورد موافقت آمریکایی ها قرار گرفت.

حکومت ملی

در دوره اول، هنری گریدی و جرج مک گی، معاون وزارت خارجه آمریکا در قبال مسأله نفت با نهضت ملی همدردی نشان می دادند و در این زمینه با انگلیسی ها اختلاف نظر داشتند. گریدی شش ماه پیش از ملی شدن صنعت نفت به لندن رفت. ولی کوشش هایش در متقاعد کردن انگلیسی ها برای موافقت با خواست های ایرانیان ناکام ماند. در این دوره آمریکایی ها برای پایان دادن به منافع انحصاری انگلیسی ها در نفت ایران، موافق ملی شدن نفت بودند.

گریدی و مک گی از مهر ۱۳۲۹ تا فروردین ۱۳۳۰، موافق ملی کردن نفت بودند، ولی پس از ملی شدن، مقامات آمریکایی با ایفای نقش بازدارنده در پیشرفت نهضت، برای کسب سهم در موقعیت مناسب، نقش میانجی را بر عهده گرفتند. به این ترتیب، در دوره دوم، مک گی و گریدی در پی راه حل بینابینی بودند. مک گی پیشنهاد پنج ماده ای خود را شامل فروش با تخفیف نفت به انگلستان به عنوان غرامت که مورد موافقت مصدق قرار گرفت و از آن به عنوان پیشنهاد «مصدق-مک گی» یاد شد، مطرح کرد و وزیر خارجه «ترومن» آن را برای کسب توافق نزد ایدن وزیر خارجه دولت محافظه کار انگلستان برد. ولی همان طور که گفته شد،

کتاب «اگرهای تاریخ ایران» نوشته آقای «دکتر مهرداد جوانبخت» به خوانندگان چشم انداز ایران معرفی می شود.

این کتاب که نشر آموزه اصفهان آن را به چاپ رسانده است، در ۲۱۵ صفحه به خوانندگان علاقمند ارایه شده و قیمت آن ۱۲,۵۰۰ ریال است.

در بخش تاریخ معاصر این کتاب و در یکی از «اگرها» با عنوان «اگر جمهوری خواهان در انتخابات آمریکا پیروز نشده بودند» آمده است: گرچه روی کار آمدن محافظه کاران در انگلستان به تدریج بر سمت و سوی سیاست آمریکا در مسأله ایران اثر می گذاشت و توافق با انگلیس و طرح های پنهانی دست کم در سیا و حتی وزارت خارجه آمریکا شکل می گرفت اما تا جای گرفتن جمهوری خواهان به جای دموکرات ها در واشنگتن و تغییر تصمیم گیران این کشور، تغییری بنیادی در سیاست های آمریکا روی نداد، برخی از تحلیل گران سیاست آمریکا در قبال نهضت ملی شدن نفت ایران را به سه دوره تقسیم کرده اند:

دوره اول: پشتیبانی از جنبش ملی شدن صنعت نفت

دوره دوم: میانجی گری دوستانه در حل اختلافات با انگلستان.

دوره سوم: مخالفت با مصدق و براندازی



### پدری صبور و شهید پرور در گذشت

میرزا حمدالله حنیف نژاد پدر مجاهد شهید محمد حنیف نژاد در سن صد و هفت سالگی پس از عمری مأنوس بودن و زندگی باقرآن به رحمت ایزدی پیوست. از خداوند متعال درخواست می کنیم که باز ماندگان و ماهمه مانند ایشان عاقبت به خیر شویم.